یادداشت

آمریکای اسرائیلی یا اسرائیل آمریکایی!

سعیدمحمدی‌کاوند
کارشناس ویژه‌شکرمسائل آمریکا

اسرائیل از دیرباز در کانون توجه هر دو حزب اصلی آمریکا یعنی جمهوری‌خواه و دموکرات بوده است. نقطه عطف شروع رابطه آمریکا و اسرائیل پس از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۶۷ به اوج خود رسید. زمانی که اسرائیل با وجود نیروهای اندک خود، توانست اتئلافی از کشورهای عربی را شکست دهد. تلفات نسبتا کمی را متحمل شود و بخش‌هایی از سرزمین‌های جدید از جمله غزه و کرانه باختری را اشغال کند، در آن زمان، آمریکا نگران بیشتری نفوذ شوروی در منطقه در بحبوحه جنگ با ویتنام بود و توان مداخله نظامی در خاورمیانه را نداشت. و از آن تاریخ به بعد به اسرائیل متحد قسم‌خورده آمریکا بدل شد. آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون بالغ بر ۱۵۸ میلیارد دلار به اسرائیل کمک مالی کرده است. درحال‌حاضر، اسرائیل براساس تفاهم‌نامه‌ای که در سال ۲۰۱۹ به امضا رسید، سالانه ۳.۸ میلیارد دلار کمک نظامی از ایالات متحده دریافت می‌کند. این مبلغ حدود ۱۶ درصد از کل بودجه نظامی اسرائیل در سال ۲۰۲۲ را تشکیل می‌دهد. آمریکا در ابتدا اسرائیل را به منزله یک نیروی دست‌نشانده برای جلوگیری از نفوذ شوروی تلقی می‌کرد. این خط فکری حتی پس از جنگ سرد نیز ادامه یافت. اما پس از ۱۱ سپتامبر، زمانی که مشخص شد برخی از عاملان این حمله شهروندان عربستان سعودی بودند، به جای تکیه بر سعودی‌ها، با این تصور که اسرائیل ارزش‌ها و منافع مشترک بیشتری نسبت به دیگر کشورهای منطقه دارد، روابط خود را با اسرائیل را عمیق‌تر کرد. در حقیقت اسرائیل به شریک راهبردی آمریکا در خاورمیانه تبدیل شد تا منافع این کشور را برای آنها تأمین کند. اما این تنها شروع ماجرا بود. حمایت‌های گسترده و بی‌چون و چرای آمریکا از این کشور به‌تدریج باعث قدرتمندترشدن آنها شد. آنها از این فرصت به نفع منافع ملی خود و هدف دیرینه خود یعنی تاسیس اسرائیل بزرگ بهره بردند. آنها بـا ایجاد لابی‌های قدرتمند و تاثیرگـذار در آمریکا و اتخاذ مناصب دولتی و حکومتی به نوعی در تصمیم‌گیری‌های کلان آمریکا بسیار نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

یکـی از مهم‌ترین لابی‌های برنفـوذ و تاثیرگذار اسـرائیل ایپک (کمیته روابط عمومی آمریکا و اسـرائیل) است. دراینه قدرت این لابی همین بس که وقتی گزارشگری درباره قدرت ایپک از استیون روزن، مسئول سابق ایپک، پرسید او در پاسخ گفت: این دسـتمال پو می‌بینی؟ می قادرم در عرض ۲۴ ساعت، امضای ۷۰ سـناتور را روی این دسـتمال برای شما بیاورم. در هفته گذشـته مجلس نمایندگان آمریکا به اکثریـت آرای دموکرت لایحه‌ای را به تصویب رساندند که با کسترددتر ردن دامنه تعریف «یهودسـتیزی» به دنبال محدودکردن انتقادها از رژیم صهیونیسـتی و به‌دنبال سرکوب کسـترش اعتراضات در این کشـور علیه این رژیم به دلیل جنگ در غزه است. به زبان ساده‌تر در صـورت تصویب نهایی، هرگونه اعتراض به اسرائیل و یهودیت به موجب این قانون ممنوع خواهد شـد. این لایحه با متمم یک قانون اساسی آمریکا در تضاد است. طبق این متمم، دولت‌ها نمی‌توانند مانع از آزادی کلمات، آزادی مطبوعات و سـلب حق اجتماع صلح‌آمیز شهر و مردم می‌توانند به دولت اعتـراض کنند. برخی از تحلیلگران بر این عقیده هسـتند که این طرح یک اشـتباه استراتژیک بزرگ برای حامیان اسـرائیل است زیرا محور اصلی کسـتر تنش عمومی و یهودسـتیزی را در بین جامعه اسرائیل بیشترکند. بااین‌حال ایپک نقش مهمی در تعیین آینده سیاسـی آمریکا دارد. در دولت کنونی آمریکا با دولتی مواجه هسـتیم که توسط افرادی به ظاهر آمریکایی اداره می‌شود که به نظر می‌رسـد استقلال سیاسـی کمی دارند، و منافع ملی را قربانی منافع شخصی و حفظ قدرت خود می‌کنند؛ چراکه تقریبا بیش از ۴۰ درصد کابینه دولت بایدن را یهودیان برنفوذ تشـکیل می‌دهند. برای نمونه آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه، جانت یلن وزیر خزانه‌داری، لوید آستین وزیر دفاع و... یهودی‌الاصل هسـتند. آنها در ازای هر اقدامی که برای اسرائیل انجام می‌دهند، از طریق ایپک تأمین مالی می‌شوند.

در حقیقـت این افراد حقوق‌بگیران ایپک به‌شـمار می‌آینـد. نتانیاهو نخسـت‌وزیر راسـت افراطی اسـرائیل صراحتـا می‌گوید کـه لابی یهود سـکان‌دار ایالات متحده آمریکا (اسـت). با توجه به ادعای مشـترک بیشتری نسـبت به دیگر کشـورهای منطقه دارد، روابط خود را با اسـرائیل را عمیق‌تر کرد. در حقیقت اسرائیل به شریک راهبردی آمریکا در خاورمیانه تبدیل شـد تا منافع این کشور را برای آنها تأمین کند. اما این تنها شروع ماجرا بود. حمایت‌های گسترده و بی‌چون و چرای آمریکا از این کشور به‌تدریج باعث قدرتمندترشـدن آنها شـد. آنها از این فرصت به نفع منافع ملی خود و هدف دیرینه خود یعنی تاسیس اسرائیل بزرگ بهره بردند. آنها بـا ایجاد لابی‌های قدرتمند و تاثیرگـذار در آمریکا و اتخاذ مناصب دولتی و حکومتی به نوعی در تصمیم‌گیری‌های کلان آمریکا بسیار نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

بازخوانی تاریخی پرونده ایران - کنترا در گفت‌وگو با علی هاشمی در دومین سالمرگ رابرت مک فارلین (بخش اول)

نگاه آمریکا پس از افشای مذاکرات مک فارلین به جنگ ایران و عراق تغییر نکرد

عبدالرحمن فتح‌الهی

اگر بخواهیم روی مذاکـرات کانال ۲ تمرکز بکنیم کـه احتمالا به مذاکرات کانـال ۱ هـم بازخواهیم گشـت، حضرت‌عالی در مصاحبه سـال گذشـته و مصاحبه‌هـای قبل‌ترتان به نحوه ورود علی هاشـمی به‌عنـوان چهره کلیدی مذاکرات کانال ۲ اشـاره کرده‌اید و دراین‌بین اسم سـیدجلال سادات‌نیا، سفیر وقت جمهوری اسـلامی ایران در انگلستان، مطرح می‌شود. گویا مذاکراتی بین ایشـان (سـادات‌نیا) و الیور نورث و آلبرت حکیم به وجود آمده اسـت که این مذاکرات را به شـما انتقال دادند؛ اما قرائتی که من شـخصا از آقای سادات‌نیا شـنیدم، چیزی نبود که گفته‌های شـما را تأیید کند و عنوان کرده بودند که من به آقای محسـن هاشـمی انتقال داده بودم و گویا ایشـان دانشجوی دکترای مکانیک در بروکسل بودند که مذاکرات به شما انتقال داده شد. آیا واقعا از طرف سیدجلال سادات‌نیا مستقیما وارد مذاکرات شدید یا نه. از طریق پسرعموی‌تان این اتفاق روی داد؟

نه. پسـرعموی من اصلا بروکسل نبوده اسـت؛ کانادا بود. آن موقع که این حادثه اتفاق افتاد، (محسـن هاشـمی) در بروکسل لبنانس خود را می‌خواند. آقای سـادات‌نیان هم خودشان اطلاع نداشتند که موضوع چیست؛ موضوع آقای سـادات‌نیان این بود که جمعی یا گروهی می‌خواهند مطالبی را به شما بگویند و اصلا نمی‌دانستند که موضوع درباره آمریکا و این مسائل است...

یعنی ایشان (سادات‌نیان) با الیور نورث و آلبرت حکیم در لندن دیدار نکردند؟

نه. من فکر نمی‌کنم. اگر هم دیدار کرده باشند، من اطلاع ندارم. اصلا ملاقات هم در لندن انجام نشد؛ ملاقات در بروکسل انجام شد؛ اولین ملاقات. در ملاقات اول هم آقای نورث حضور نداشـتند. بیشتر آقای آلبرت حکیم و ژنرال سیکورت بودنـد. آنها که نمی‌گفتند می‌خواهند به موضوعی اعتراض و مطرح کنند؛ ضمنا آقای سادات‌نیان خودشان مستقیما درگیر این موضوع نبودند؛ بلکه ایشان هم از طریق یک فـرد دیگری که در لندن بودنـد و فوت کردند، اطلاع پیـدا کرد و از طریق کانـال آن فرد اطلاع پیدا کردیم و اتفاقا همان فـرد تماس گرفت و عنوان کرد گروهی می‌خواهند بحث‌هایی درباره سـلاح و جنگ و این قبیل مسـائل بکنند. اگر شما فرصت دارید، بنشـینید و با آنها حرف بزنید. اولین جلسه‌ای که برگزار شـد و دیدم که مطالب‌شان خیلی مهم اسـت، (به آنها) گفتم به دقت بگویید که اینها را بنویسـیم که فکر کنم هشت یا ۹ صفحه، مطالب آنها را نوشتیم که به آقای هاشمی گفتیم.

موضوع دیگری که شـما را به سایه و مذاکرات کانال ۲ ارتباط می‌دهد، چون عنوان کرده بودید که این مذاکرات اصلا به مرحوم هاشـمی ارتباطی نداشـته است و کلا به سپاه بوده. آقای محسن رضایی است...

واقعا (به مرحوم هاشمی)...

بله، ارتباط نداشته ...

گفته‌اید زمانی که مذاکرات بروکسـل را به او (رضایی) انتقال دادید، ایشان هم عنوان کرده بودند که نیازی نیسـت مرحوم هاشمی در جریان قرار بگیرد. آیا واقعا سعی داشتند آقای هاشمی را دور بزنند یا واقعا نیازی نمی‌دیدند که...

نـه. چون نحوه معرفی من به آقـای رضایی، نحوه‌ای نبود که از کانال آقای هاشـمی انجام شده باشد. آقای هاشمی در حقیقت طبق همه چیزهایی که در تمام پرونده‌ها و گزارش‌ها هسـت، عدلی شدند که اصلا تمام آن چیزهایی که شما نوشتید و آنها (طرف آمریکایی در ملاقات اول بروکسل) اعلام کردند، دروغ اسـت؛ چون آنها اعلام کرده بودند ما در تهران آمدیم. فردی به نام آقای کنگرلو هست که در کشـور علیه این رژیم به دلیل جنگ در غزه است. به زبان ساده‌تر در صـورت تصویب نهایی، هرگونه اعتراض به اسرائیل و یهودیت به موجب این قانون ممنوع خواهد شـد. این لایحه با متمم یک قانون اساسی آمریکا در تضاد است. طبق این متمم، دولت‌ها نمی‌توانند مانع از آزادی کلمات، آزادی مطبوعات و سـلب حق اجتماع صلح‌آمیز شهر و مردم می‌توانند به دولت اعتـراض کنند. برخی از تحلیلگران بر این عقیده هسـتند که این طرح یک اشـتباه استراتژیک بزرگ برای حامیان اسـرائیل است زیرا محور اصلی کسـتر تنش عمومی و یهودسـتیزی را در بین جامعه اسرائیل بیشترکند. بااین‌حال ایپک نقش مهمی در تعیین آینده سیاسـی آمریکا دارد. در دولت کنونی آمریکا با دولتی مواجه هسـتیم که توسط افرادی به ظاهر آمریکایی اداره می‌شود که به نظر می‌رسـد استقلال سیاسـی کمی دارند، و منافع ملی را قربانی منافع شخصی و حفظ قدرت خود می‌کنند؛ چراکه تقریبا بیش از ۴۰ درصد کابینه دولت بایدن را یهودیان برنفوذ تشـکیل می‌دهند. برای نمونه آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه، جانت یلن وزیر خزانه‌داری، لوید آستین وزیر دفاع و... یهودی‌الاصل هسـتند. آنها در ازای هر اقدامی که برای اسرائیل انجام می‌دهند، از طریق ایپک تأمین مالی می‌شوند.

در حقیقـت این افراد حقوق‌بگیران ایپک به‌شـمار می‌آینـد. نتانیاهو نخسـت‌وزیر راسـت افراطی اسـرائیل صراحتـا می‌گوید کـه لابی یهود سـکان‌دار ایالات متحده آمریکا (اسـت). با توجه به ادعای مشـترک بیشتری نسـبت به دیگر کشـورهای منطقه دارد، روابط خود را با اسـرائیل را عمیق‌تر کرد. در حقیقت اسرائیل به شریک راهبردی آمریکا در خاورمیانه تبدیل شـد تا منافع این کشور را برای آنها تأمین کند. اما این تنها شروع ماجرا بود. حمایت‌های گسترده و بی‌چون و چرای آمریکا از این کشور به‌تدریج باعث قدرتمندترشـدن آنها شـد. آنها از این فرصت به نفع منافع ملی خود و هدف دیرینه خود یعنی تاسیس اسرائیل بزرگ بهره بردند. آنها بـا ایجاد لابی‌های قدرتمند و تاثیرگـذار در آمریکا و اتخاذ مناصب دولتی و حکومتی به نوعی در تصمیم‌گیری‌های کلان آمریکا بسیار نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

یکـی از مهم‌ترین لابی‌های برنفـوذ و تاثیرگذار اسـرائیل ایپک (کمیته روابط عمومی آمریکا و اسـرائیل) است. دراینه قدرت این لابی همین بس که وقتی گزارشگری درباره قدرت ایپک از استیون روزن، مسئول سابق ایپک، پرسید او در پاسخ گفت: این دسـتمال پو می‌بینی؟ می قادرم در عرض ۲۴ ساعت، امضای ۷۰ سـناتور را روی این دسـتمال برای شما بیاورم. در هفته گذشـته مجلس نمایندگان آمریکا به اکثریـت آرای دموکرت لایحه‌ای را به تصویب رساندند که با کسترددتر ردن دامنه تعریف «یهودسـتیزی» به دنبال محدودکردن انتقادها از رژیم صهیونیسـتی و به‌دنبال سرکوب کسـترش اعتراضات در این